

# دریای خزر (کاسپیان - مازندران)

## و ملاحظات لازمه

خرسند اشکان

فوریه ۱۹۲۱... اعلام گردیده است، موافقت دارند که در تمام دریای خزر کشتی‌هایی جز کشتی‌های متعلق به ایران یا اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یا متعلق به اتباع و بنگاه‌های بازرگانی و حمل و نقل کشوری یکی از طرفین متعاهدین که زیر پرچم ایران یا اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سیر می‌نمایند، نمی‌توانند وجود داشته باشند.<sup>۱</sup>

ماده ۱۲-۴ همین عهدنامه چنین تنظیم شد: «... هر یک از طرفین متعاهدین ماهی‌گیری را در سواحل خود تا حد ۱۰ میل دریائی به کشتی‌های خود اختصاص داده و این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که واردات ماهی‌های صید شده از طرف کارکنان کشتی‌هایی را که زیر پرچم او سیر می‌نمایند از تخفیفات و مزایای خاصی بهره‌مند سازد.»<sup>۲</sup>

در حقوق بین‌الملل تحت عنوان قلمرو دریائی بحث دریای سرزمینی و نیز آب‌های داخلی مطرح است. دریای سرزمینی یا دریای ساحلی یا آب‌های ساحلی، منطقه‌ای از آب‌ها است که بین سواحل یک کشور و دریای آزاد قرار دارد و کشور ساحلی به دلایل نظامی، بهداشتی، گمرکی و اقتصادی، حاکمیت و مقررات داخلی خود را بدان گسترش می‌دهد.<sup>۳</sup> در مورد وسعت دریای سرزمینی سومین کنفرانس ملل متحد

در زمینه‌ی حقوق دریاها به توافقی دست یافت. طبق ماده ۳ قرارداد ۱۹۸۲ حقوق دریاها وسعت دریای سرزمینی حداکثر ۱۲ میل دریائی (برابر با ۲۲/۲۲ کیلومتر) تعیین گردید. اکثر کشورها از آن جمله ایران چه در مقررات داخلی خود و چه در قراردادهای دو جانبه با سایر کشورها

حداکثر ۱۲ میل را به عنوان منطقه‌ی نظارت یا منطقه‌ی مجاور خود که همان دریای سرزمینی است پیش‌بینی نموده‌اند.<sup>۴</sup> در این زمینه موضوع فلات قاره یا سکوی ساحلی نیز مطرح است. ماده ۱ قرارداد ۲۹ آوریل ۱۹۵۸ ژنو این اصطلاح را چنین تعریف کرده است: «بستر و زیر بستر مناطق زیر دریای مجاور سواحل... تا جایی که عمق آب‌های فوقانی

امکان بهره‌برداری از منابع طبیعی مناطق مزبور را بدهد و همچنین کف دریا و یا زیر کف دریای مجاور سواحل جزایر فلات قاره محسوب می‌شود». تبصره‌ی ماده دوم قانون راجع به اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی فلات قاره‌ی ایران مصوب سال ۳۴ (صفحه ۲۲۵ مجموعه قوانین سال ۳۴) چنین مقرر داشته است: «در مورد بحر خزر مبنای عمل طبق اصول حقوق بین‌المللی مربوط به دریای بسته بوده و می‌باشد.»

برپایه‌ی قرارداد ۱۱ فوریه ۱۹۷۱ که ایران نیز بدان پیوسته است استقرار و نصب سلاح‌های هسته‌ای و دیگر سلاح‌های مخرب جمعی و همچنین ایجاد ساختمان‌ها و تأسیسات پرتاب به منظور بهره‌برداری از این سلاح‌ها در بستر و زیر بستر دریاها و اقیانوس‌ها خارج از حد ۱۲ میل دریایی ممنوع می‌باشد<sup>۵</sup> اما آب‌های داخلی از جمله شامل دریاها و

□ در دوران اشکانیان دریا یا دریاچه‌ی بزرگ خزر در میانه‌ی قلمرو آنان قرار داشت. به عبارت دیگر خزر دریاچه‌ی ایرانی محسوب می‌شد.<sup>۱</sup> اما در عصر حاضر ابتدا فصل پنجم عهدنامه‌ی گلستان که پس از جنگ اول ایران و روس در سال ۱۸۱۳ میلادی بر ایران تحمیل گردید، چنین تنظیم شد: «کشتی‌های دولت روسیه که برای معاملات بر روی دریای خزر تردد می‌نمایند، به دستور سابق مأذون خواهند بود که به سواحل و بنادر جانب ایران عازم و نزدیک شوند و زمان توفان و شکست کشتی از طرف ایران اعانت و یاری دوستانه نسبت به آنها بشود و کشتی‌های جانب ایران به دستورالعمل سابق مأذون خواهند بود که برای معامله روانه‌ی سواحل روسیه شوند به همین نحو در هنگام شکست و توفان از جانب روسیه اعانت و یاری دوستانه درباره‌ی ایشان معمول گردد و در خصوص کشتی‌های عسکریه (جنگی) روسیه، به طریقی که در زمان دوستی یا در هر وقت دیگر که کشتی‌های جنگی دولت روسیه با علم و بیرق در دریای خزر بوده‌اند، حال نیز محض دوستی اجازه داده می‌شود که به دستور سابق معمول گردد و احدی از دولت‌های دیگر سوازی دولت روس کشتی‌های جنگی در دریای خزر نداشته باشند.»

۱۵ سال بعد فصل هشتم عهدنامه‌ی منحوس ترکمان چای چنین تحمیل شد: «سفاین تجارتی روس مثل سابق حق خواهند داشت که به طور آزاد در دریای خزر و در امتداد سواحل آن سیر کرده و به کناره‌های آن فرود آیند و در موقع شکست و غرق در ایران معاونت و امداد خواهند یافت. و سفاین تجارتی ایران هم حق خواهند داشت که به قرار سابق در بحر خزر

سیر نموده و به سواحل روس بروند و در صورت غرق و شکست هم به آنها کمک و امداد خواهد شد. اما در باب کشتی‌های جنگی، آن‌هایی که بیرق نظامی روس دارند و از قدیم‌الایام بالانفرد حق سیر در بحر خزر داشته‌اند، حال هم بدین سبب این امتیاز متعلق به همان کشتی‌ها خواهد بود به طوری که به غیر از دولت روسیه دولت دیگری حق نخواهد داشت که سفاین جنگی در دریای خزر داشته باشند.» اما پس از سقوط روسیه‌ی

تزاری فصل یازدهم قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی چنین مقرر داشت: «بنا بر اصول مندرج در فصل اول همین عهدنامه، عهدنامه‌ی صلح ترکمان چای، که مورخ فوریه ۱۸۲۸ فی‌مابین دولتین روسیه و ایران منعقد شده بود و دولت ایران را در فصل هشتم آن از کشتی‌رانی در بحر خزر محروم داشته بود، ملغی و از درجه‌ی اعتباری ساقط است. لهنذا دولتین معظمتین از ساعت امضای این معاهده به طور تساوی از حق کشتی‌رانی در بحر

خزر در تحت بیرق‌های خود استفاده خواهند نمود.»<sup>۲</sup>

سرانجام ماده ۱۳ قرارداد ۱۹۴۰ ایران و شوروی چنین مقرر داشت: «طرفین متعاهدین بر طبق اصولی که در عهدنامه‌ی مورخ ۲۶

## سرزمین من

احمد علی دوست - گیلان

از سرزمین من، چه قدر گل آفتاب رُست.  
کز بوی خوش مشام جان و جهان پُر شامه کرد.  
آب و هوا و بستر صد رنگش،  
دردانه‌ها به دامن این خاک پرورید،  
بس طرفه آفرید و به تاریخ هدیه کرد.  
و طی هزاره‌ها، در آسمان دانش و عرفان و معرفت  
صدها ستاره ریخت و بر اوج‌ها نشست

\*\*\*

آنک ستاره‌ها:  
گُندآوران عرصه‌ی پیکارش  
با همتی گران و بسی سخته‌تر ز سنگه  
کایمن نموده مرز نیاخاک پُر گهر، از سَر هر گزند.

\*\*\*

پیری حکیم، تخم سخن پاشید  
بر تارکی، حماسه و اسطوره،  
کاخ بلند فخر و هویت ساخت.

\*\*\*

مردافکنی که کرد علم چرم پاره‌یی،  
رسم ستم ز بیخ و بن برکند.  
بازوی غیرتی که تا رمق جان کمان کشید،  
حد و حصار سرزمین مرا در قباله کرد.

\*\*\*

فرزانه‌یی که درد وطن داشت  
آزادگی به بام جهان در داد.  
یا ساز و برگ حق طلبی در مصاف ظلم،  
ستوار ماند و دلیری کرد.  
و شکرانه‌ی حضور پُر آوازش،  
در امتداد خاطره‌ها جاری ست.

\*\*\*

و اینک، با من بگو به مهر،  
آیا سزاست که این نسل پُر امید،  
تسلی از آن تبار، سرشار از غرور،  
پُر می‌کشد به غربت آفاق دور دست،  
بی‌پشت و بی‌پناه،  
در کام این قرن نانجیب، غرقه‌ی گرداب می‌شود.  
آیا سزاست؟...

\*\*\*

جهل است یا که قهر؟  
مقراض دست کیست که می‌بردش ز خشم،  
پیوندهای نازک ناز جوانه‌ها،  
مقراض دست کیست؟  
بشنو که گفته‌اند: پندی اما، برهنه و تلخ  
«قندیل‌های قصر یخی آب می‌شود»  
«با اولین اشعه‌ی تابان آفتاب».

دریاچه‌هایی که در قلمرو یک کشور قرار گرفته‌اند یا قلمرو چند کشور آنها را احاطه کرده‌اند، می‌شود. دریاها و دریاچه‌های بسته تحت حاکمیت و سلطه‌ی کشورهای مجاور می‌باشند و کشورهای دیگر حق دخالت در آنها را ندارند مگر با اجازه‌ی کشور یا کشورهای ساحلی.<sup>۷</sup> با توجه به قراردادهای ایران و روس و ایران و شوروی و مقررات قلمرو دریایی جامعه‌ی بین‌المللی و وضعیت دریای خزر یا بزرگ‌ترین دریاچه‌ی جهان همان گونه که کشتی‌رانی در آن جز به طریق استفاده‌ی مشاع میسر نیست، بهره‌برداری از کف و زیرکف و نیز فضای بالای آن خارج از منطقه‌ی ده میلی - براساس صلاحیت ملی توافقی - جز به طریق مشاع و با تراضی وجهی نخواهد داشت.

در خاتمه گفتنی است که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هم - به گزارش روزنامه‌ی همشهری مورخ ۴ بهمن ۱۳۸۶ نام دریای خزر را نامناسب دانسته و خواستار تجدیدنظر در این زمینه شده است و این ظاهراً در پی مقاله‌های مطبوعات بوده است. ■

## پی‌نوشت‌ها

۱- ایران باستان، تألیف حسن مشیرالدوله بیرنیا، چاپ سوم، سال ۴۲، قطع جیبی (کتاب نهم: دوره‌ی پارسی، صفحه‌ی ۲۶۱۸، سطرهای ۸۷ و ۸۸ که عیناً چنین است: «موافق نوشته‌های آگاتانز دریای خزر را از هر طرف مستملکات دودمان اشکانی در احاطه داشته است»)

۲- و ۳- ۴- سیاست اروپا در ایران، تألیف دکتر محمود افشار یزدی، چاپ ۱۳۵۸، صفحه‌های ۳۳۱ تا ۳۴۶.

۵- مجموعه قوانین، سال ۱۳۱۹، صفحه ۱.

۶- حقوق بین‌الملل عمومی، تألیف دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی، چاپ دوم، سال ۶۳، صفحه ۱۸۸.

۷- صفحه ۱۹۵ همان.

## در توصیف ایران

علی‌نظمی تبریزی - آذربایجان

ایرآن من ای دیار هوشنگ	ای مهد کمال و فر و فرهنگ
آنی تو که عزت تو داده‌ست	بر چهره‌ی روزگار ما رنگ
آنی تو که برخی از سلاطین	تسلیم تو کرد تاج و اورنگ
نسونان تو مظهر وقارند	مردان تو شیر آهنین‌چنگ
دشمن ز صلابت تو دیده‌ست	آن‌ها که ندید شیشه از سنگ
بدخواه تو را همیشه بوده‌ست	میدان فراخ آرزو تنگ
گامی ز تو هر که دور باشد	دورم من از او هزار فرسنگ
هر کس که نگشت دوستدارت	از دوستی‌اش بود مرا ننگ
دامان تو هست تا به چنگم	بر دامن کس نمی‌زنم چنگ
باشد که رخ تو سیر بینم	ز آینه‌ی دل زودهام زنگ
گر نیک بدیدم از تو ور بد	پیشانی من ندیدم آرنج
«نظمی» مستی ز خاک پاکت	نفروخت به گوهری گران‌سنگ
هر نغمه که می‌زنند اغیار	در گوش من است خارج آهنگ
ایرانی‌ام و فدای ایران	با من سخنی مگو ز آفرنگ